

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید ملک - اتریش
۱۷ سپتمبر ۲۰۲۱



سید ملک

پیامی به محترم آقای نگارگر - بخش دوم

طوری که قبلاً نوشته بودم شعر حجت و برهان علمی فلسفی نیست و ما نباید دیدگاه های معرفتی، علمی، فلسفی و دینی را پشت شعر شاعر بدوانیم. شعر در کجای هنر قرار دارد و اگر خواسته باشیم یانه، هنر مرتبه ای پائین تر از چهار دیدگاه معرفتی دارد.

مثلاً در خراسان سابق خواننده ای وجود داشت که در انتهای خواندن وی پرنده ها می افتیدند و می مردند و یا در هند موسیقی دانی بود که با گپ های آوازش گیلان می شکست. اما با همه این اعجاز هرگز وی رانمی توان با ارائه دهندگان تیوری های علمی که در جهان معجزه می نمایند یکی دانست و یا بابیانگذاران ادیان و عرفان مقایسه کرد. آنهم به شعر شاعر که یکی از شاخه های هنر است. مثلاً مولانا می گوید:

کوندهی را یکنفر در گوشه برد سرنگوش کرد و در کونش فشرد

یا می گوید: گردن بزن اندیشه را من از کجا عم از کجا

باز می گوید: ای برادر کلهم اندیشه ای مابقی اش کوشت و پست و ریشه ای

ازین تناقضات در دیوان مولانا و سایر شعراء به وفرت دیده می شود.

افلاطون و ارسطو که خود شاعر بودند و شعر را رها کردند. از آنجمله افلاطون می گوید بعد از تحقیق به این نتیجه رسیده است که شعراء که علمی نداشته یا زاده قافیه پردازی بوده و یا زاده استعداد شعری و شعراء آنچه می گویند بعداً قادر به توضیح کامل آن نیستند.

یعنی ما نمی توانیم مفاهیم و دیدگاه های معرفتی را به دنبال شعر شاعر بدوانیم.